



رابطه‌ی کارآفرینی با ابعاد توانمندی زنان روستایی استان فارس

مرجان گلکارفرد^۱ و کورش رضایی مقدم^۲

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز

۲- دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز، (نویسنده مسؤل: dr.rezaeimoghaddam@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۹

صفحه: ۱ تا ۱۰

چکیده

در چارچوب مفهوم توسعه‌ی روستایی و کشاورزی، آنچه بیشتر باید مورد دقت و توجه قرار گیرد، تأکید بر ارتقای کیفیت و توانمندسازی زنان روستایی و بهبود وضعیت و شرایط کار آنان در عرصه‌ی جوامع روستایی است. توسعه‌ی کارآفرینی و توانمندسازی مکمل یکدیگر بوده و باعث قدرت‌بخشیدن به زنان در فعالیتهای مختلف کارآفرینی اعم از اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. هدف این مطالعه بررسی رابطه‌ی بین کارآفرینی با ابعاد توانمندی و تحلیل سازه‌های تأثیرگذار بر ابعاد مختلف توانمندی زنان روستایی استان فارس است. تحقیق به روش پیمایشی و از طریق پرسشنامه در بین زنان روستایی کارآفرین عضو شرکت حمایت از فعالیتهای کشاورزی در شهرستان‌های شیراز، مرودشت و استهبان (۳۶۰۰ نفر) انجام شد. در مجموع ۳۹۳ نفر از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، مورد بررسی قرار گرفت. طبق یافته‌های پژوهش، بین ابعاد مختلف توانمندی با سطح خلاقیت زنان روستایی، روحیه و دانش کارآفرینی، فضای کسب و کار و همچنین میزان ارتباط با مراکز اطلاعاتی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، متغیرهای روحیه کارآفرینی، توسعه‌ی کارآفرینی، شرکت در کلاس‌های آموزشی، دانش کارآفرینی، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، عوامل محیطی (فضای کسب و کار)، سیاست‌های حمایتی و مهارت در تدوین طرح تجاری توانایی، ۵۶ درصد از تغییرات توانمندسازی زنان را پیش‌بینی کردند. متغیر روحیه کارآفرینی در فعالیتهای کارآفرینی بیشترین قدرت پیش‌بینی متغیر توانمندسازی زنان و متغیر سیاست‌های حمایتی و مهارت در تدوین طرح تجاری کمترین قدرت پیش‌بینی تغییرات توانمندسازی زنان را داشتند. در دسترس قرار دادن مواد خام اولیه؛ تصویب قوانین متناسب و در راستای بهبود کسب و کار زنان؛ شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی برگزار شده توسط شرکت؛ بهبود شرایط برای فروش محصولات؛ افزایش علاقه و احساس مثبت اعضای شرکت و توجه به نیازهای شغلی زنان عضو از پیشنهاد‌های مهم مطالعه است.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، توانمندی، زنان روستایی، طرح تجاری، کسب و کار روستایی، روحیه و انگیزه‌ی کارآفرینی

مقدمه

در جامعه‌ی امروز ایران، زنان روستایی نشان داده‌اند که توانایی‌ها و قابلیت‌های فراوانی دارند و تحت شرایط مناسب می‌توانند مشارکت مؤثری در توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور داشته باشند. با توجه به نقش‌های چندگانه زنان در کشاورزی، دامپروری، خانه‌داری و صنایع‌دستی در ایران و سایر نقاط جهان می‌توان گفت زنان با انجام فعالیتهای درون منزل و بیرون منزل عهده‌دار نقش‌های مهمی در رسیدن به توسعه‌ی روستایی هستند (۱۳). در عین حال با توجه به اینکه فعالیتهای عمده‌ی مناطق روستایی توسط زنان انجام می‌پذیرد، لذا در چارچوب مفهوم توسعه‌ی روستایی و کشاورزی، آنچه بیشتر باید مورد دقت و توجه قرار گیرد، تأکید بر ارتقای کیفیت و توانمندسازی این منابع عظیم انسانی و بهبود وضعیت و شرایط کار زنان در عرصه جوامع روستایی است.

توانمندی در برگزیده ابعاد روانی، سیاسی، فرهنگی و محیط‌زیستی است (۱۰). توانمندی روانی به‌عنوان یک وضعیت روانشناختی در افرادی است که توانایی شکل‌دهی به فعالیت‌ها و تأثیرگذاری بر زمینه‌های کاری خود را دارا باشند (۶). توانمندی فرهنگی شامل تقویت بنیان‌های فرهنگی از طریق گسترش شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های انسانی و

برقراری ارتباط با دیگران است (۲۵). توانمندی سیاسی به معنای برقراری روح دموکراسی و دستیابی افراد به حقوق قانونی خود در جوامع است. دستیابی به چنین حقوقی می‌تواند با مؤلفه‌هایی مانند حضور در تصمیم‌گیری، ارائه نظرات برای حل مشکلات و شرکت در انتخابات محلی و ملی باشد (۹). در تعریف توانمندی محیط‌زیستی گفته می‌شود که توانایی افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادها در پرداختن به موضوعات مرتبط با محیط‌زیست به‌عنوان بخشی از فعالیتهای لازم برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار است (۷).

"توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی" زنان روستایی یک مرحله‌ی جدید در توسعه‌ی اقتصادی هر کشور است که از طریق ایجاد شغل باعث استقلال اقتصادی زنان می‌گردد. به عقیده لشگرآرا و همکاران (۱۶) زنان بزرگ‌ترین گروه محرومان جهان هستند، برنامه‌ریزان و کارشناسان باید تلاش‌های خود را به سمت کاهش محدودیت‌ها و محرومیت‌ها سوق دهند و زنان روستایی را به سمت برابری اقتصادی و اجتماعی هدایت نمایند. این امر میسر نمی‌شود مگر با توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی (۱۶). به‌طورکلی، مهارت کارآفرینی شامل مهارت فردی، مدیریتی و فنی یک کارآفرین است (۸). برای توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی زنان روستایی "الزامات" گوناگونی وجود دارد که بایسته‌ها و وجود حداقل

شرایط موردنیاز برای توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی زنان روستایی است. بعضی از این الزامات را می‌توان در سه دسته‌ی الزامات فردی، مدیریتی و فنی تقسیم‌بندی کرد. در ارتباط با توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی زنان روستایی تحقیقات متعددی صورت گرفته است، چودهاری و ریالوار (۴) الزامات توسعه‌ی مهارت‌های کارآفرینی زنان روستایی را تغییر در نگرش سنتی، خدمات حمایتی از قبیل آموزش، تخصیص بودجه جداگانه برای زنان کارآفرین، تأمین زیرساخت‌های مناسب، تقدیر دولت از کارآفرینان نمونه و رقابت در بازارهای محلی و ملی عنوان نمودند. کارآفرینان نیازمند مهارت‌های مختلفی هستند. عواملی که سبب ارتقای توانایی‌های کارآفرینان کسب و کارهای کوچک شامل توانایی اشاعه تجارب و فرصت‌ها، توانایی تشخیص اشتباهات، دسترسی به منابع و جذب اعضای بیرونی به‌عنوان بخشی از تیم کارآفرینانه است (۲۱). توسعه‌ی کارآفرینی و توانمندسازی مکمل یکدیگر بوده و باعث قدرت‌بخشیدن به زنان در فعالیت‌های مختلف کارآفرینی اعم از اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود (۲۰).

تأثیر اعتبارات خرد در حل مشکلات مالی زنان روستایی نشان می‌دهد که آن‌ها نه تنها توانسته‌اند بدهی و مخاطراتی همچون درمان بیماری‌ها را از سر بگذرانند، بلکه عده‌ای با اعتبارات خرد به کارآفرینی نیز روی آورده‌اند و از این رهگذر، در کسب درآمد برای خانواده خود مؤثر واقع شده‌اند (۱۸). اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان فقیر عاملی مهم تلقی می‌شود و عقیده بر این است که زنان، چه در سطح خرد و خانواده و چه در سطح کلان عناصر مهم تغییر در راستای توانمندی اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌آیند (۲۴). یافته‌های نامجویان شیرازی (۲۲) حاکی است که ترکیب اعتبارات کوچک با مهارت‌های کارآفرینی نقش مهمی در کاهش فقر روستایی دارد. وی در مطالعه خود از ۱۴۰ کارآفرین کوچک روستایی که از اعتبارات خرد استفاده کرده بودند، به این نتیجه دست یافت که خدمات وام و اعتبارات، پس‌انداز و بیمه که توسط منابع مالی خرد تأمین می‌شوند، بر روی کاهش فقر و بهبود محیط کارآفرینی و آموزش فنی آن‌ها تأثیر مستقیم داشته‌است.

رویکرد توانمندسازی برای زنان روستایی ایران با راهبرد اعتبارات خرد و با ایجاد و تشکیل تعاونی‌های خوداشتغال محلی زنان، صندوق‌های تأمین اعتبار و آموزش و ترویج برای تغییر فرهنگ قابل پیاده‌کردن است. اعطای تسهیلات اعتبارات خرد موجب توانمندسازی زنان عضو نسبت به دیگر زنان غیرعضو از طریق افزایش درآمد و اعتمادبه‌نفس در نواحی روستایی و دهستان لکستان شهرستان سلماس گردید (۵). همچنین، در بالابردن میزان مشارکت و افزایش میزان کارایی زنان، تغییر نگرش مردان نسبت به توانایی زنان و بعضاً تشویق آن‌ها از طریق کمک تأثیرگذار بوده است. نتایج تحقیقات انجام‌شده در خصوص تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندی زنان روستایی نشان داد که بین زنان عضو و غیرعضو صندوق اعتبارات خرد از لحاظ توانمندی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین،

اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد با داشتن درآمد و پس‌انداز مستقل، دسترسی به منابع و تسهیلات، قدرت بازپرداخت وام و ... از زنان غیرعضو که اکثراً دسترسی به تسهیلات (اعم از بانکی و غیربانکی) و نیز پس‌انداز و درآمدی ندارند، توانمندتر بودند. از طرفی توانمندسازی خانوادگی زنان عضو صندوق اعتبارات خرد با داشتن قدرت تصمیم‌گیری بیشتر در مورد مسائل مختلفی همچون تحصیل، اشتغال، ازدواج و ... نسبت به زنان غیرعضو بالاتر بوده‌است (۲). شایان ذکر است که صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی در زندگی زنان روستایی تأثیر مثبت داشته‌است. چالش‌های پیش‌روی زنان کارآفرین در نیجریه نشان داده‌است که زنان کارآفرین از فرصت‌های برابر با مردان همتای خود برخوردار نیستند (۱۷) و

(۱۲). با توجه به اهمیت و نقش مؤثر کارآفرینی در پیشرفت و توسعه بخش‌های مختلف هر کشور، لزوم توجه به کارآفرینی زنان در روستا از سوی مسئولین و کارشناسان بیش از پیش احساس می‌شود. شناسایی مسائل و مشکلاتی که کارشناسان کشاورزی و روستاییان در استفاده و بکارگیری کارآفرینی با آن مواجه هستند می‌تواند از سوی برنامه‌ریزان موردتوجه قرارگیرد تا بتوان جایگاه کنونی وضعیت کارآفرینی را در بخش کشاورزی بهتر مشخص نموده و در برنامه‌ریزی آینده مدنظر قرارگیرد. هدف این مقاله بررسی رابطه‌ی بین کارآفرینی با ابعاد توانمندی و تحلیل سازه‌های تأثیرگذار بر ابعاد مختلف توانمندی زنان روستایی عضو شرکت صندوق حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی استان فارس است.

روش تحقیق

جامعه‌ی آماری تحقیق شامل کلیه‌ی اعضای شرکت‌های صندوق حمایت از توسعه‌ی بخش کشاورزی زنان در استان فارس (۳۶۰۰ نفر) است که در قالب سه شرکت در شهرستان‌های مرودشت، شیراز و استهبان در حیطه‌ی کشاورزی دارای فعالیت‌های کارآفرینی هستند. در این پژوهش با استفاده از فن پیمایش و طبق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی انتساب متناسب، بر اساس تعداد اعضای هر شرکت، از هر روستا در هر شهرستان ۱۵-۱۰ نفر انتخاب گردید. حجم نمونه طبق جدول مورگان ۳۹۳ نفر برآورد شده (۱۵)؛ به‌طوری که با توجه به تعداد کل اعضاء در هر شرکت تعداد نمونه در شیراز ۱۶۰ نفر، در مرودشت ۱۲۷ نفر و در استهبان ۱۰۶ نفر برآورد گردید و اطلاعات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد. برای جمع‌آوری اطلاعات ابتدا پیشینه تحقیق و مبانی نظری آن از طریق مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده و پس از مصاحبه با صاحب‌نظران، متغیرهای مورد نظر شناسایی و پرسشنامه تدوین گردید. روایی صوری پرسشنامه توسط متخصصان دانشگاهی مورد تأیید قرار گرفت و سپس مطالعه راهنما برای بررسی پایایی آن با استفاده از یک نمونه ۳۰ تایی از زنان کارآفرین روستایی خارج از نمونه اصلی در روستای سیاخ‌دارنگون شهرستان شیراز انجام گرفت. ضرایب آلفای متغیرها بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۸ محاسبه شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS^{۱۹} و نرم‌افزار AMOS مورد تحلیل

قرار گرفت.

میزان استفاده از منابع اطلاعاتی دربرگیرنده میزان استفاده از رادیو، تلفن همراه، ارتباط با کارشناس مرکز خدمات، ارتباط با سایر زنان کارآفرین و مراجعه به مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان است. میزان اثربخشی منابع اطلاعاتی به معنی میزان تأثیرگذاری منابع اطلاعاتی مورد استفاده در فعالیتهای کارآفرینی زنان مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه و شرکت در کلاس آموزشی توسط اداره جهاد کشاورزی است. خلاقیت با استفاده از سؤالاتی در رابطه با مؤلفه‌های آن از جمله زیرپایگذاشتن قواعد، داشتن ایده‌های متنوع، انجام کارها به روش معمول و ... سنجیده شد (۱۱). مهارت در تدوین طرح تجاری به معنی این مهارت شامل آگاهی از انواع طرح‌های تجاری، نحوه نوشتن طرح کسب و کار و ... است. بر اساس متغیر روحیه کارآفرینی، فرد کارآفرین با تصمیم‌گیری به‌جا، تکیه بر وجدان کاری و انضباط محیط کاری خود را پویا و خدایسندانه می‌کند. انگیزه‌ی کارآفرینی، میزان علاقه شخصی، کسب درآمد و سود، شناساندن توانایی‌های زنان، ایجاد اشتغال برای خود، استقلال مالی و خودکفایی و ... را می‌سنجد.

دانش کارآفرینی، میزان آگاهی فرد نسبت به مفهوم و ابعاد کارآفرینی (کارآفرینی مبتنی بر دانش، کارآفرینی مبتنی بر تجربه و مبتنی بر منابع) را می‌سنجد. میزان ارتباط با مراکز مختلف شامل میزان ارتباط با مرکز خدمات روستایی، مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان، سازمان جهاد کشاورزی و ... است. سیاست‌های حمایتی به معنی آگاه‌سازی از سیاست‌های شرکت و اعضا، حمایت کافی شرکت (مالی، خدماتی و فرهنگی و ...) است. فضای کسب و کار شامل توجه به مدت زمان صرف‌شده برای آغاز فعالیت کارآفرینی، مدت زمان انتظار برای دریافت وام، استفاده از انواع دارایی‌ها به‌عنوان وثیقه و ... است. توان مدیریتی مدیرعامل صندوق‌ها به این معنی است که مدیران بتوانند توانایی برقراری ارتباط با اعضا، توانایی مذاکره، چانه‌زنی، ارتباط با سایر رقبا و مهارت امور بازاریابی را داشته باشند. توسعه‌ی فعالیتهای کارآفرینی یک فرآیند تکامل‌یابنده است که نیازمند ساختارسازی و پیگیری برنامه‌ریزی شده کارکردهای حمایتی است (۱). این متغیر با استفاده از مؤلفه‌های سودآوری، انعطاف‌پذیری، رضایت مشتری، رقابت‌پذیری، اشتغال‌زایی، نوآوری، حفظ محیط‌زیست، رضایت افراد صندوق، رفاه منطقه، پایداری کسب و کار و تجاری‌سازی ایده سنجیده شد (۲۳).

متغیر توانمندی دربرگیرنده ابعاد روانی، سیاسی، فرهنگی و محیط‌زیستی است (۱۰). توانمندی روانی یک گرایش کاری فعال در زنان روستایی است که توانایی شکل‌دهی به فعالیتهای صندوق و تأثیرگذاری بر زمینه‌های کاری کسب و کار خود و دیگران را دارا باشند (۶). توانمندی فرهنگی به بهبود شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های تولیدی زنان روستایی و برقراری ارتباط با زنان کارآفرین سایر روستاها اشاره دارد (۱۰). توانمندی سیاسی به دستیابی زنان کارآفرین به حقوق قانونی خود در جوامع روستایی اشاره دارد. دستیابی به چنین حقوقی می‌تواند با مؤلفه‌هایی مانند حضور در تصمیم‌گیری

مسائل مختلف روستا، اظهارنظر برای حل مشکلات و شرکت در انتخابات محلی و فعالیت صندوق باشد. در توانمندی محیط‌زیستی به ۳ مؤلفه‌ی مدیریت آب (استفاده از روش‌های نوین آبیاری، افزایش راندمان آبیاری، جلوگیری از هدررفت آب و ...)، مدیریت خاک (انجام آزمون خاک، شیوه‌های کشاورزی حفاظتی و ...) و مصرف نهاده‌های شیمیایی (حفاظت از محیط و منابع طبیعی، حفظ سلامت انسان و سایر موجودات، حفظ کیفیت خاک و ...) بر اساس مطالعات برای توانمندی زنان روستایی استفاده شد. بررسی پایداری کشاورزی و حفظ محیط‌زیست با توجه به بحث‌های مختلفی که در مورد کشاورزی و عناصر و کارکردهای آن صورت می‌گیرد بسیار مهم است؛ به‌گونه‌ای که تعیین‌کننده جهت وضعیت آینده‌ی کشاورزی در صورت ادامه روند فعلی است. بنابراین در بُعد طبیعی و محیط‌زیستی، توجه به رفتارهای مدیریتی زنان کارآفرین نسبت به منابع خاک و آب و مصرف نهاده‌های شیمیایی امری ضروری است (۱۰).

نتایج و بحث

با توجه به نتایج توزیع فراوانی وضعیت تأهل نمونه آماری، اکثر پاسخگویان (۸۴/۵ درصد) متأهل و ۱۵/۵ درصد آن‌ها مجرد بوده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق در رابطه با تعداد اعضای خانوار نشان می‌دهد که بیشترین تعداد اعضای خانوار، در بین پاسخگویان برابر با ۴ بوده و بیشینه برابر با ۹ بوده‌است. میانگین سن نمونه مورد مطالعه، برابر با ۳۹ سال با انحراف معیار ۹/۵۳ است. همچنین، دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۶ تا ۶۵ سال قرار داشت. از نظر تحصیلات، افراد مورد مطالعه دارای میانگین سطح سواد حدود ۸ سال بوده‌اند. جدول یک همبستگی بین توسعه‌ی کارآفرینی با ابعاد توانمندی‌های روانی، توانمندی فرهنگی، توانمندی سیاسی، توانمندی محیط‌زیستی و توانمندی کلی در نمونه مورد بررسی را نشان می‌دهد. بین متغیر توسعه‌ی کارآفرینی با توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($p = 0/0001$ ، $r = 0/41$). به‌عبارتی، زنان کارآفرینی که از فعالیتهای کارآفرینی بیشتری برخوردار باشند، دارای توانمندی روانی بیشتری بوده‌اند. نتایج جدول بیانگر آن است که بین توسعه‌ی کارآفرینی و توانمندی فرهنگی نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($p = 0/0001$ ، $r = 0/43$). زنان کارآفرینی که دارای فعالیتهای کارآفرینی بیشتری بوده‌اند توانمندی فرهنگی بیشتری از خود نشان داده‌اند. بر اساس نتایج جدول ۱ بین توسعه‌ی کارآفرینی زنان و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($p = 0/0001$ ، $r = 0/55$). بین توسعه‌ی کارآفرینی و توانمندی محیط‌زیستی نیز رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($p = 0/0001$ ، $r = 0/37$). در واقع زنان کارآفرینی که توسعه‌ی کارآفرینی بالایی داشته‌اند، توانمندی محیط‌زیستی بیشتری از خود نشان داده‌اند. نتایج جدول ۱ بیانگر آن است که بین توسعه‌ی کارآفرینی با توانمندی کلی زنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($p = 0/0001$ ، $r = 0/58$). در واقع می‌توان این‌گونه بیان نمود که زنان کارآفرینی که از توسعه‌ی کارآفرینی بیشتری برخوردار باشند، دارای

توانمندی بیشتری از ابعاد مختلف برخوردار بوده‌اند. این نتایج است. در راستای یافته‌های مطالعه‌ی ایزدی و رضائی‌مقدم (۱۲)

جدول ۱- نتایج همبستگی پیرسون بین متغیر توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینی با ابعاد توانمندسازی زنان

متغیر	مقدار ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (p)
توانمندی روانی	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱
توانمندی فرهنگی	۰/۴۳	۰/۰۰۰۱
توانمندی سیاسی	۰/۵۵	۰/۰۰۰۱
توانمندی محیط‌زیستی	۰/۳۷	۰/۰۰۰۱
توانمندی کل	۰/۵۸	۰/۰۰۰۱

بر این اساس هرچه انگیزه‌ی کارآفرینی زنان روستایی بیشتر باشد توانمندی روانی آن‌ها بیشتر است. نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان ارتباط با مراکز مختلف و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/29, p = 0/0001$). بر این اساس هرچه ارتباط زنان کارآفرین با مراکز مختلف از جمله مراکز حامی فعالیت‌های کارآفرینی و واحد استانداردسازی کالا و محصولات و ... بیشتر باشد، از توانمندی روانی بیشتری برخوردار هستند. یافته‌های جدول ۲ بیانگر آن است که بین سیاست‌های حمایتی و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/26, p = 0/0001$). بر این اساس، هرچه سیاست‌های حمایتی از طرف بخش دولتی و شرکتی بالاتر باشد زنان از توانمندی روانی بیشتری برخوردار هستند. بین عوامل محیطی (فضای کسب و کار) و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/25, p = 0/0001$). این یافته بیانگر این است که هرچه فضای کسب و کار و محیط مناسب برای اخذ وام و مدت زمان طی مراحل اداری و ... برای زنان کارآفرین مناسب‌تر گردد، توانمندی روانی آن‌ها بیشتر است. همچنین، بین توان‌مدیریتی مدیرعامل صندوق و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/36, p = 0/0001$). بر این اساس، هرچه توان‌مدیریتی مدیرعامل‌های صندوق‌ها بالاتر باشد توانمندی روانی زنان کارآفرین بیشتر است.

جدول ۲ همبستگی بین متغیرهای پژوهش با توانمندی‌های روانی، فرهنگی، سیاسی و محیط‌زیستی در کل نمونه مورد بررسی را نشان می‌دهد. بین اثربخشی منابع اطلاعاتی با توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/28, p = 0/0001$). بر این اساس هرچه اثربخشی منابع اطلاعاتی بالاتر باشد، زنان دارای توانمندی روانی بیشتر هستند. بین خلاقیت و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/34, p = 0/002$). این یافته بیانگر آن است که زنان کارآفرینی که دارای خلاقیت بالاتری هستند، توانمندی روانی بیشتری داشته‌اند. بین مهارت در تدوین طرح تجاری و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/33, p = 0/0001$). زنان کارآفرینی که مهارت در تدوین طرح تجاری بیشتری دارند، دارای توانمندی روانی بیشتری بوده‌اند. نتایج جدول ۲ بیانگر آن است که بین روحیه کارآفرینی و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/42, p = 0/0001$). بر این اساس هرچه روحیه کارآفرینی زنان کارآفرین بیشتر باشد، توانمندی روانی بیشتری دارند. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بین دانش کارآفرینی و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/36, p = 0/0001$). این یافته بیانگر آن است که هرچه زنان کارآفرین از دانش کارآفرینی بالاتری برخوردار باشند، از توانمندی روانی بیشتری بهره‌مند خواهند بود. بین انگیزه کارآفرینی و توانمندی روانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r = 0/41, p = 0/0001$).

جدول ۲- نتایج همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش با ابعاد مختلف توانمندی
Table 2. Correlation results between the research variables with empowerment aspects

متغیرها	توانمندی روانی		توانمندی فرهنگی		توانمندی سیاسی		توانمندی محیط‌زیستی	
	(r)	(p)	(r)	(p)	(r)	(p)	(r)	(p)
اثربخشی منابع اطلاعاتی	۰/۲۸	۰/۰۰۰۱	۰/۲۸	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱
میزان استفاده از منابع اطلاعاتی	۰/۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۰/۰۰۰۱	۰/۳۱	۰/۰۰۰۱
خلاقیت	۰/۳۴	۰/۰۰۲	۰/۲۶	۰/۰۰۰۱	۰/۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۲۵	۰/۰۰۰۱
مهارت در تدوین طرح تجاری	۰/۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۲۹	۰/۰۰۰۱	۰/۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۲۸	۰/۰۰۰۱
روحیه کارآفرینی	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱	۰/۰۰۰۱	۰/۳۴	۰/۰۰۰۱
دانش کارآفرینی	۰/۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	۰/۰۰۰۱	۰/۳۶	۰/۰۱
انگیزه کارآفرینی	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱	۰/۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۴۷	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱	۰/۰۰۰۱
شرکت در کلاس‌های آموزشی	۰/۳۰	۰/۰۰۰۱	۰/۳۵	۰/۰۰۰۱	۰/۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۳۰	۰/۰۰۰۱
میزان ارتباط با مراکز مختلف	۰/۲۹	۰/۰۰۰۱	۰/۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۲۶	۰/۰۰۰۱	۰/۲۵	۰/۰۰۱
سیاست‌های حمایتی	۰/۲۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶۳	۰/۳۱۰	۰/۳۱	۰/۰۰۰۱	۰/۳۴	۰/۰۰۰۱
عوامل محیطی (فضای کسب و کار)	۰/۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۲۴	۰/۰۰۰۱	۰/۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۳۲	۰/۰۰۲
توان مدیریتی مدیرعامل صندوق	۰/۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۴۲	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۰/۰۰۰۱	۰/۳۱	۰/۰۰۰۱

زمان طی مراحل اداری و ... برای زنان کارآفرین بیشتر مناسب گردد توانمندی فرهنگی آن‌ها بیشتر خواهد شد. اهمیت عوامل محیطی مانند فضای کسب و کار با نتایج پژوهش مظهری و همکاران (۱۹) مطابقت دارد. بین توان مدیریتی مدیرعامل صندوق و توانمندی فرهنگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۴۲$)، بر این اساس، هرچه توان مدیریتی مدیرعامل‌های صندوق‌ها بالاتر باشد، توانمندی فرهنگی زنان کارآفرین بیشتر است.

بر اساس نتایج جدول ۲، بین میزان استفاده از منابع اطلاعاتی با توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۴۳$)، این یافته بیانگر آن است که زنان کارآفرینی که از منابع اطلاعاتی بیشتری برخوردار هستند، همچنین، بین توانمندی سیاسی بیشتر بر خوردار هستند. همچنین، بین اثربخشی منابع اطلاعاتی با توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۴۱$)، هرچه اثربخشی منابع اطلاعاتی بالاتر باشد، توانمندی سیاسی زنان بیشتر است. بین روحیه کارآفرینی و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۵۱$)، بر این اساس، هرچه روحیه کارآفرینی زنان بیشتر باشد، توانمندی سیاسی بیشتری دارند. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بین دانش کارآفرینی و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۴۳$)، این یافته بیانگر آن است که هرچه زنان کارآفرین از دانش کارآفرینی بالاتری برخوردار باشند از توانمندی سیاسی بیشتری بهره‌مند هستند. بین انگیزه کارآفرینی و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۴۷$)، بر این اساس، هرچه انگیزه کارآفرینی زنان روستایی بیشتر باشد توانمندی سیاسی آن‌ها بیشتر است.

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان ارتباط با مراکز مختلف و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۲۶$)، یافته‌ها نشان می‌دهد که بین برخورداری از آموزش و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۳۲$)،

بین میزان استفاده از منابع اطلاعاتی با توانمندی فرهنگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۳۲$)، این یافته بیانگر آن است که زنان کارآفرینی که از منابع اطلاعاتی بیشتری بهره‌برده‌اند، از توانمندی فرهنگی بیشتری برخوردار هستند. بین اثربخشی منابع اطلاعاتی با توانمندی فرهنگی نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۲۸$)، نتایج جدول دو بیانگر آن است که بین روحیه کارآفرینی و توانمندی فرهنگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۴۴$)، بر این اساس، هرچه روحیه کارآفرینی زنان کارآفرین بیشتر باشد توانمندی فرهنگی بیشتری دارند. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بین دانش کارآفرینی و توانمندی فرهنگی زنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۴۴$)، این یافته بیانگر آن است که هرچه زنان کارآفرین از دانش کارآفرینی بالاتری برخوردار باشند، از نظر فرهنگی توانمندتر هستند. بین انگیزه کارآفرینی و توانمندی فرهنگی نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۳۲$)،

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان ارتباط با مراکز مختلف و توانمندی فرهنگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۲۷$)، هرچه زنان کارآفرین دارای ارتباط بیشتر با مراکز مختلف از جمله مراکز حامی فعالیت‌های کارآفرینی و واحد استانداردسازی کالا و محصولات و ... داشته باشند، از توانمندی فرهنگی بیشتری برخوردار هستند. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که بین برخورداری از آموزش و توانمندی فرهنگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۱، $p=0/۳۵$)، بنابراین، هرچه زنان کارآفرین از آموزش بیشتری برخوردار باشند، توانمندی فرهنگی آن‌ها بیشتر است. نتایج حاصل از همبستگی متغیرها با یافته‌های حاصل از پژوهش رضائی‌مقدم و ایزدی (۲۳) هم‌خوانی دارد. همچنین، بین عوامل محیطی (فضای کسب و کار) و توانمندی فرهنگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۰۰۱، $p=0/۲۴$)، این یافته بیانگر این است که هرچه فضای کسب و کار و محیط مناسب برای اخذ وام و مدت

مدیرعامل‌های صندوق‌ها بالاتر باشد، توانمندی محیط‌زیستی زنان کارآفرین بیشتر است.

به‌منظور اندازه‌گیری تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته توانمندی زنان کارآفرین از رگرسیون گام به گام استفاده شد. با توجه به اطلاعات جدول ۳، میزان آماره‌ی F در سطح یک درصد معنی‌دار شده‌است. به‌طورکلی، متغیرهای واردشده در تحلیل رگرسیون، ۵۶ درصد تغییرات واریانس توانمندی زنان روستایی را تبیین می‌کنند. اولین عامل تأثیرگذار بر توانمندی زنان، روحیه‌ی کارآفرینی در فعالیت‌ها است. متغیر روحیه‌ی کارآفرینی، دارای قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته توانمندی زنان است. با اضافه‌شدن متغیر روحیه‌ی فعالیت‌های کارآفرینی، ضریب تغییرات به ۴۷ درصد افزایش یافت. برخورداری از آموزش به‌عنوان متغیر تأثیرگذار سوم، بر توانمندی فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی، تأثیر دارد. چهارمین متغیر تأثیرگذار، دانش کارآفرینی زنان است. با اضافه‌شدن این متغیر، ضریب تغییرات به ۵۲ درصد افزایش یافت.

میزان استفاده از منابع اطلاعاتی از جمله استفاده از تلفن همراه، گفتگو با دوستان، شرکت در کلاس‌های آموزشی برگزارشده، تلویزیون، رادیو، روزنامه و ارتباط با کارشناسان جهاد کشاورزی از عوامل تأثیرگذار دیگر بر توانمندی فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی است. به‌عبارتی هرچه زنان کارآفرین روستایی در فعالیت‌های کارآفرینی از منابع اطلاعاتی بیشتری استفاده نمایند، می‌توان انتظار داشت که از توانمندی بالاتری برخوردار خواهند شد. ششمین متغیر تأثیرگذار عوامل محیطی (فضای کسب و کار) در فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی است. فعالیت‌های کارآفرینی که در فضای کسب و کار مطلوب و بهتری انجام شوند و در واقع شرایط محیطی مناسبی برای انجام این نوع فعالیت‌ها ایجاد شود، می‌توان انتظار داشت که زنان کارآفرین از توانمندی بالاتری برخوردار شوند. سیاست‌های حمایتی دولت از جمله در مورد بهبود شرایط برای فروش محصولات، در دسترس قرار دادن مواد خام اولیه، تصویب قوانین متناسب و در راستای بهبود کسب و کار و فراهم‌کردن شرایط زیربنایی از عوامل تأثیرگذار دیگر در توانمندی فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی هستند به‌عبارتی، هرچه فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی با حمایت بیشتری از سوی دولت برخوردار باشد، می‌توان انتظار توانمندی بالاتر آن‌ها را داشت. مهارت در تدوین طرح تجاری متغیر تأثیرگذار دیگری است که اثر مثبتی بر توانمندی زنان دارد که با اضافه‌شدن آن به مدل، ضریب تغییرات به ۵۶ درصد می‌رسد. یافته‌های پژوهش ایزدی و رضائی‌مقدم (۱۱) نیز این نتایج را تأیید می‌کند.

به‌منظور برآورد معادله تخمین، با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده و معنی‌داربودن مدل نهایی رگرسیون چندگانه در این تحقیق، با رابطه‌ی (۱) می‌توان میزان توانمندی زنان در فعالیت‌های کارآفرینی را تخمین زد:

این یافته بیانگر آن است که هرچه زنان کارآفرین از آموزش بیشتری برخوردار باشند، توانمندی سیاسی آن‌ها بیشتر است. بین سیاست‌های حمایتی و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/31, p=0/0001$). بر این اساس هرچه سیاست‌های حمایتی از طرف بخش دولتی و شرکتی بالاتر باشد، زنان از توانمندی سیاسی بیشتری برخوردار هستند. بین عوامل محیطی (فضای کسب و کار) و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/27, p=0/0001$). این یافته بیانگر این است که هرچه فضای کسب و کار و محیط برای زنان کارآفرین مناسب‌تر گردد، توانمندی سیاسی آن‌ها بیشتر خواهد بود. همچنین، بین توان مدیریتی مدیرعامل صندوق و توانمندی سیاسی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/44, p=0/0001$). بر این اساس هرچه توان مدیریتی مدیرعامل‌های صندوق‌ها بالاتر باشد توانمندی سیاسی زنان کارآفرین بیشتر است.

بر اساس نتایج جدول ۲، بین میزان استفاده از منابع اطلاعاتی با توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/31, p=0/0001$). این یافته بیانگر آن است که زنان کارآفرینی که از منابع اطلاعاتی بیشتری بهره‌برده‌اند، از توانمندی محیط‌زیستی بیشتری برخوردار هستند. بین اثربخشی منابع اطلاعاتی با توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/41, p=0/0001$). بین روحیه کارآفرینی و توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/34, p=0/0001$). بر این اساس، هرچه روحیه کارآفرینی زنان کارآفرین بیشتر باشد، توانمندی محیط‌زیستی بیشتری دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین دانش کارآفرینی و توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/36, p=0/0001$). هرچه زنان کارآفرین از دانش کارآفرینی بالاتری برخوردار باشند، از توانمندی محیط‌زیستی بیشتری بهره‌مند هستند. بین انگیزه کارآفرینی و توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/41, p=0/0001$). بر این اساس، هرچه انگیزه کارآفرینی زنان روستایی بیشتر باشد، توانمندی محیط‌زیستی در آن‌ها بیشتر است.

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان ارتباط با مراکز مختلف و توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/33, p=0/0001$). بر این اساس، هرچه زنان کارآفرین ارتباط بیشتری با مراکز مختلف داشته باشند، از توانمندی محیط‌زیستی بیشتری برخوردار هستند. یافته‌ها بیانگر آن است که بین سیاست‌های حمایتی و توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/34, p=0/0001$). بین عوامل محیطی (فضای کسب و کار) و توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/32, p=0/0001$). این یافته بیانگر این است که هرچه فضای کسب و کار و محیط برای زنان کارآفرین مناسب‌تر گردد، توانمندی محیط‌زیستی آن‌ها بیشتر خواهد بود. همچنین، بین توان مدیریتی مدیرعامل صندوق و توانمندی محیط‌زیستی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($r=0/31, p=0/0001$). بر این اساس، هرچه توان مدیریتی

واحد تغییر در انحراف معیار روحیه‌ی کارآفرینی، ۰/۶۰ در انحراف معیار توانمندی زنان کارآفرین و به ازای هر واحد تغییر در انحراف معیار توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینی، ۰/۳۸ در انحراف معیار توانمندی زنان روستایی افزایش ایجاد می‌شود. همچنین، به‌ازای هر واحد تغییر در انحراف معیار میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی، ۰/۱۷ در انحراف معیار توانمندی زنان کارآفرین روستایی و به‌ازای هر واحد تغییر در دانش کارآفرینی، ۰/۱۶ در انحراف معیار توانمندی زنان کارآفرین روستایی افزایش ایجاد می‌شود. این یافته‌ها با مطالعه کوهی و چهارسوقی امین (۱۴) هم‌خوانی دارد.

$$(۱) Y = ۱۶/۶۱ + ۱/۹۲ (X_1) + ۰/۳۱ (X_2) + ۱/۰۰ (X_3) + ۰/۶۶(X_4) + ۰/۶۳ (X_5) + ۰/۴۷ (X_6) + ۰/۳۳ (X_7) + ۰/۳۷ (X_8)$$

در این تحلیل بر اساس بتای استاندارد به دست آمده، روحیه‌ی کارآفرینی، توسعه‌ی کارآفرینی، میزان شرکت در کلاس‌های آموزشی، دانش کارآفرینی، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، عوامل محیطی (فضای کسب و کار)، سیاست‌های حمایتی و مهارت در تدوین طرح تجاری به ترتیب متغیرهایی بودند که بیشترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته داشته‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که به‌ازای هر

جدول ۳- نتایج سازه‌های تأثیرگذار بر توانمندی زنان روستایی

Table 3. Effective factors on rural women empowerment

R ² Ad	R ²	R	t	Beta	B	متغیرها
۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۶۰	۱۴/۸۱	۰/۶۰	۱/۹۲	روحیه‌ی کارآفرینی X ₁
۰/۴۷	۰/۴۷	۰/۶۹	۹/۳۴	۰/۳۸	۰/۳۱	توسعه‌ی کارآفرینی X ₂
۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۷۱	۴/۷۸	۰/۱۷	۱/۰۰	شرکت در کلاس‌های آموزشی X ₃
۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۷۲	۴/۲۲	۰/۱۶	۰/۶۶	دانش کارآفرینی X ₄
۰/۵۳	۰/۵۴	۰/۷۳	۳/۴۲	۰/۱۳	۰/۶۳	میزان استفاده از منابع اطلاعاتی X ₅
۰/۵۴	۰/۵۵	۰/۷۴	۳/۴۷	۰/۱۲	۰/۴۷	عوامل محیطی (فضای کسب و کار) X ₆
۰/۵۵	۰/۵۶	۰/۷۵	۲/۶۷	۰/۰۹	۰/۳۳	سیاست‌های حمایتی X ₇
۰/۵۶	۰/۵۶	۰/۷۵	۲/۱۱	۰/۰۸	۰/۳۷	مهارت در تدوین طرح تجاری X ₈

F: 51.27

Sig: 0.0001

constant: 16.61

وام‌های مشارکتی به زنان، آن‌ها را در قالب تشکلهایی گردهم آورد و زمینه انجام کارهای تولیدی و اشتغال‌زا را برای آنان در سطح روستا فراهم آورد. همچنین، در دسترس قراردادن موادخام اولیه؛ تصویب قوانین متناسب در راستای بهبود کسب و کار زنان؛ شرکت زنان در کلاس‌های آموزشی کاربردی و متنوع توسط شرکت؛ بهبود شرایط برای فروش محصولات؛ افزایش علاقه و احساس مثبت اعضای شرکت و توجه به نیازهای شغلی زنان عضو باید مورد توجه قرار گیرد. دانش کارآفرینی و روحیه‌ی کارآفرینی از جمله عوامل تأثیرگذار بر بهبود توانمندی زنان کارآفرین محسوب می‌شود. هرچه زنان بتوانند فرصت‌های جدید کارآفرینی را بهتر شناسایی کرده، در بکارگیری و شناسایی منابع مختلف توانا تر بوده و روش‌های مختلف تولید محصول را بکار گرفته، همچنین در شناسایی بازارهای جدید به‌منظور ارائه‌ی محصولات خود نیز از شناخت کافی و لازم برخوردار باشند، کارآفرینان توانمندتری خواهند بود. پیشنهاد می‌شود تا در رابطه با راه‌اندازی کسب و کارهای زنان روستایی در کنار توجه به فاکتورهای اقتصادی به سایر عوامل فردی و اجتماعی اثرگذار مانند ایجاد و تقویت روحیه‌ی خلاق و انگیزه‌ی کارآفرینانه زنان روستایی و همچنین ارتقای سطح آگاهی آن‌ها در زمینه ملزومات و مقدمات ورود به فرآیند کارآفرینی مانند کسب مهارت در نوشتن یک طرح تجاری خوب و منطقی نیز توجه ویژه گردد.

پیش‌نیاز مهم برای تحقق توانمندی زنان، وجود فردی کارآفرین است که از روحیه بالایی برای انجام این فعالیت‌ها برخوردار باشد. برای تحقق توانمندی زنان در فعالیت‌های کارآفرینی، ایجاد محیط و شرایط مناسب برای برخورداری از آموزش برای زنان کارآفرین ضروری است. بدین‌منظور، شرکت در کلاس آموزشی از طرف شرکت، استفاده از کارشناسان، استفاده از نشریات ترویجی و استفاده از وسایل دیجیتال مفید واقع می‌گردد. طبق نتایج تحقیق، هرچه فعالیت‌های کارآفرینی زنان روستایی بیشتر باشد، توانمندی زنان افزایش می‌یابد.

برای تحقق بیشتر توانمندی زنان در فعالیت‌های کارآفرینی، افزایش میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و همچنین عوامل محیطی شامل سیاست‌های دولت و فضای کسب و کار دارای اهمیت است. از سوی دیگر برای تحقق توانمندی زنان، اعمال سیاست‌های حمایتی توسط شرکت و تقویت مهارت در تدوین طرح تجاری نیز ضروری است. مطابق با نتایج، روحیه‌ی کارآفرینی، توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینی، برخورداری از آموزش توسط شرکت، دانش کارآفرینی، میزان استفاده از منابع اطلاعاتی، فضای کسب و کار (عوامل محیطی)، سیاست‌های حمایتی و مهارت در تدوین طرح تجاری عوامل مؤثر بر توانمندی زنان کارآفرین روستایی است. پیشنهاد می‌شود که با هدف ایجاد و توسعه بسترهای مناسب برای اشتغال پایدار زنان روستایی همراه با توانمندی آنان، با اعطای

منابع

1. Ahmadpour Dariani, M. and M. Moghimi. 2012. *Entrepreneurship Basis*. Tehran: Farandish, (In Persian).
2. Barimani, F., Z. Nikmanesh and S. Khodaverdiloo. 2012. Role of small size-credits regarding empowerment of rural women case study: Lakestan sub-district Salmas of county. *Journal Space Economy and Rural Development*, 1(1): 69-82 (In Persian).
3. Canedo, J.C., D.L. Stone, S.L. Black and K.M. Lukaszewski. 2014. Individual factors affecting entrepreneurship in Hispanics. *Journal of Managerial Psychology*, 29(6): 755-772.
4. Choudhary, K.N. and A. Rayalwar. 2011. Opportunitites and challenges for rural women entrepreneurship in india. *Variorum Multi- Disciplinary e-Research Journal*, 1(111): 1-4.
5. Dadvar-Khani, F., M.R. Rezvani, S. Imeni Gheshlagh and K. Bozarjemehry. 2012. Analyze the role of tourism in the development of rural youth entrepreneurship(The case study: Knadovan village, Osku Province). *Human Geography Research Quarterly*, 78: 169-196 (In Persian).
6. Dimitriadis, Z. and S. Kufida. 2009. Individual, Job, organizational and contextual correlates of employment empowerment: Some Greek evidences, *Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*. Retrieved from: http://ejbo.jyu.fi/pdf/ejbo_vol9_no2_pages_36-43.pdf
7. Farahanirad, H. and M. Ghazi. 2013. Empowerment program for environment economy. National Conference of Economic Value of Resources, Tehran (In Persian).
8. Fathi Vajargah, K., A. Araghieh, N. Barzegar and S. Moradi. 2011. The development of human resources in higher education through respecting cultural diversity of the students. *Journal of Management and Planning In Educational Systems*, 4(7): 21-37 (In Persian).
9. Glemarec, Y., F. Bayat-Renoux and O. Waissbein. 2016. Removing barriers to women entrepreneurs' engagement in decentralized sustainable energy solutions for the poor. *AIMS Energy*, 4(1): 136-172.
10. Gheysari, H., M. Shahvali and K. Rezaei-Moghaddam. 2012. The study of rural production cooperatives members' psychological empower in Fars Province. *Journal of Rural Research*, 3(10): 1-20 (In Persian).
11. Izadi, B.H., K. Rezaei-Moghaddam and A. Asadollahpour. 2016. Influencing factors and obstacles for accomplishing entrepreneurship development in agricultural home-based businesses in villages of Shiraz. *Iran Agricultural Extension and Education Journal*, 12(1): 39-51 (In Persian).
12. Izadi, H. and K. Rezaei-Moghaddam. 2017. Accelerating components of the entrepreneurship development in small agricultural businesses in rural areas of Iran. *Technical Journal of Engineering and Applied Science*, 7(1): 6-15.
13. Jamshidi, M. 2004. Women and rual development. *Jihad*, 257, 57-64 (In Persian).
14. Kohi, N. and H. Chaharsoghi Amin. 2018. Challenges for rural women entrepreneurship development (The case study: Ilam city). *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 5(10): 55-61 (In Persian)
15. Krejcie, R.V. and D.V. Morgan. 1970. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30: 607-610.
16. Lashgarara, F., N. Roshani and M. Omid Najafabadi. 2011. Influencing factors on entrepreneural skills of rural women (Ilam citys in Iran). *African Journal of Business Management*, 5(14): 5536-5540.
17. Lincoln, A. 2012. Prospects and challenges of women entrepreneurs in Nigeria. Available at <http://papers.ssrn.com>
18. Mathison, S. 2003. Microfinance and disaster management. Available at www.developmentgateway.com
19. Mazhari, R., M. Mohammad Khyareh, M. Khairandish and M. Jahanbakhsh Rostami. 2018. Ranking the effective factors on the development of agricultural entrepreneurship in rural development (Case study of Kouhestan district, Rostamkola city). *Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture*, 4(7): 30-38 (In Persian).
20. McKeown, J., C. Millman, S. Reddy Sursani, K. Smith and L.M. Martin. 2006. Graduate entrepreneurship education in the United Kingdom. *Education and Training*, 48(8/9): 597-613.
21. Moghimi, S.M. and M. Ahmadpour Dariani. 2008. Entrepreneurship education in Iran SMEs Iran: Needs and alternatives. *Journal of Entrepreneurship Development*, 1(1): 207-245 (In Persian).
22. Namjouyan Shirazi, Z. 2015. Ability of micro-credit funds for rural women in entrepreneurship and small business development. *Journal of Entrepreneurship in Agriculture*, 1(3): 65-82 (In Persian).

23. Rezaei-Moghaddam, K. and B. Izadi. 2019. Entrepreneurship in small agricultural quick-impact enterprises in Iran: Development of an index, effective factors and obstacles. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9(17): 1-21.
24. Taleb, M. and Z. NAjafi Asl. 2008. Impacts of micro credits on economic empowerment of Iranian rural women head of households: A case study of hazrat Zeinab Kobra programme in Boueen Zahra villages. *Village and Development*, 10(3): 1-25 (In Persian).
25. Whiteside, M., K. Tesy, J. McCalman, Y. Cadet-James and A. Wilson. 2006. Empowerment as a framework for indigenous workforce development and organizational change. *Australian Social Work*, 59(4): 422-434.

Relationship Between Entrepreneurship and Empowerment Dimensions of Rural Women in Fars Province

Marjan Golkar Fard¹ and Kurosh Rezaei-Moghaddam²

1- Graduated M.Sc. Student, of Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture, Shiraz University

2- Associate Professor, of Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture, Shiraz University (Corresponding author: dr.rezaeimoghaddam@gmail.com)

Received: July 9, 2019

Accepted: August 31, 2019

Abstract

In the conceptual frame of rural and agricultural development, the emphasis on improving the quality and empowerment of rural women and advancement of their working conditions in rural communities is what needs to be carefully stressed. Entrepreneurship development and empowerment are in complementary touch with each other and lead to strengthening women in various entrepreneurial activities including social, economic and cultural fields. This research is set out to investigate the relationship between entrepreneurship, empowerment capacities and analyze the structures affecting the various aspects of rural women's empowerment in Fars province. Implementing a survey method and questionnaires, the present research is conducted among rural women entrepreneurs membered in Agricultural Activities Backing Company in Fars. Totally, a sample of 393 participants was selected through stratified random sampling. According to the findings of regression analysis, the variables of entrepreneurship motivation, entrepreneurship development, participation in training courses, entrepreneurship knowledge, the rate of applying information resources, environmental factors (business environment), supportive policies, and skills in compiling a business plan were able of predicting 56% of women's empowerment changes. The variables of entrepreneurship motivation in entrepreneurial activities, supportive policies and the skills of compiling a business plan depicted the maximum and minimum rate of predicting women's empowerment changes, respectively. The availability of raw and in process materials, ratification of the appropriate laws in line with improving women's business, women's participation in training courses held by the company, improving the conditions for selling products, increasing more positive interest and motivation among the company members and paying attention to the professional needs of membered women are among the focal suggestions of the present research.

Keywords: Entrepreneurship, Empowerment, Rural Women, Business Plan, Rural Business, Entrepreneurial Moral and Motivation